

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

قاسم باز

۱۷ جنوری ۲۰۱۶

## آخرین چلینج من به آقای محترم "محمد داوود مومند". می نویسم آنچه واقعیت است.

بزرگوار آقای "محمد داوود مومند" صاحب، جناب عالی، شیخ الحدیث، عالم شهیر جهان اسلام، مبارز بین المللی، فاتح الفتوح خالد بن ولید، نویسنده شهیر و مؤدب، ناجی ملت افغان، مجاهد کبیر جهاد افغانستان، صادق و پاک نفس و دارنده صدها لقب مهذبانه و مؤدبانہ دیگر. چون عجله داشتیم اگر در نوشتن دیگر القاب از نزد کوتاهی صورت گرفته بنده را به بزرگوار تان ببخشید.

آقای محترم مجاهد کبیر "محمد داوود مومند"!

این القابی که در بالا و پائین برای شما نویستم فکر می کنید که از اخلاص زیاد و از صدق دل برایت نوشتیم؟ در مورد این سطر نوشته من فکر نکنم که جواب شما بلی باشد، به خاطر می دانید که هیچ کس از یک مخالف سرسخت خود این گونه توقعات ندارد، شما در نوشته های تان "قاسم باز" را به نام (خان صاحب) "محترم قاسم باز" یاد می کنید، نزد این گونه القاب معنی (کش) را دارد، مثلی که من در بالا به شما دو سطر مکمل القاب و عناوین زیبا نوشتیم، آیا این القاب بالا که من برای شما ذکر نمودم نزد شما معنی (کش) ندارد، البته که دارد.

"مومند" صاحب بزرگوار!

۱- در ثقافت اسلامی و افغانی به خصوص در ثقافت پشتونوالی منافقت به الفاظ بسیار زشت یاد شده. به این معنی که (اگر کسی به شخصی مخالفت داشته باشد و از جانب مقابل خود خوشش نیاید، آن شخص مخالف خود را به شکل تمسخر به نام ها و القاب عالی یاد کند اینگونه روش در قاموس اسلامی افغانی به نام منافقت یاد می شود. خداوند کریم در قران منافق را زیاد سرزنش نموده است.

جناب عالی "محمد داوود مومند"!

شما اکثر اوقات به خاطر مسخره کردن و پائین آوردن و سبک ساختن سردار "محمد داوودخان" کلمه "سردار صاحب" آنهم به شکل تمسخر استعمال می نمائید، همچنان شما وی را یک انسان بی کلتور و بی مسلک قلمداد می نمائید، گاهی اوقات وی را "داودشاه" خطاب می کنید و در جای دیگری وی را به نام "لیونی" یاد می کنید. آیا می دانید؟ که لیونی کی را می گویند؟ آیا استعمال این گونه الفاظ آنهم به یک شخصیت ملی مانند شهید سردار "محمد داوودخان"، کسی که جان و اولاد، هست و نیست خود را به خاطر یک دو نفر نه، بلکه به خاطر عزت، شرف و

وقار ملت افغان قربانی نمود، به این گونه شخصیت و فرزند صدیق وطن این گونه الفاظ رکیک و سخیف ضرور است استعمال شود، من یک بار در یکی از نوشته های خود "محمد هاشم میوندوال" را ملا بچه که اصلاً پدر محترم وی ملای مسجد بود خطاب نمودم، شما و یک تعداد افراد متجانس و معجون غیر مرکب که در بین خود با هم هیچ گونه ارتباط اندیشه بی نداشتید در پورتال (افغان جرمن آنلاین) یخن های خود را پاره کردید که چرا (قاسم باز) به "میوندوال" پسر ملا بچه خطاب نموده اند، من نمی توانستم که در آن نوشته خود آقای "محمد هاشم میوندوال" را به نام بچه یک داکتر مشهور یا پسر کدام انجینر شهیر یا پسر کدام خانزاده و یا پسر کدام قهرمان ملی خطاب کنم، هر آن چه که وی را خطاب نموده بودم صد در صد واقعیت بود نه خدای نکرده توهین.

اینک اعترافات بعضی از اعضای کودتاجی محترم "محمد هاشم میوندوال" سابق صدراعظم و رئیس حزب مساوات.

<https://soundcloud.com/qasim-baz/ihpvoxb3you>

خوب حالا که شما بزرگوار، دانشمند و نویسنده توانا، که در مورد کلمات (سردار صاحب، لیونی، بی مسلک، و بی کلتور) تان که نثار آن مرحوم نموده اید و همچنان من در مورد نظر منفی و غیر موجه شما در مورد بی سوادی و بی مسلکی آقای "غلام صدیق محبی" چه تصور کنم، تا جایی که من و یک عده استادان پوهنتون کابل و همچنان محصلان محترم آن دوره ای که وی (آقای غلام صدیق محبی) را از نزدیک می شناسد، ایشان در نزد همه پاک نفس ترین، وطن دوست ترین فردی که در علم ساینس و فزیک در پوهنتون جوهره و ثانی نداشت، می باشد. آقای "غلام صدیق محبی" - بعد ها رئیس پوهنتونها در جمهوریت محمد داوود خان- در آن زمان که مرحوم "داوودخان" خانه نیشین بود، معلم خانگی الجبر، ساینس و فزیک فرزندان رشید سردار "محمد داوودخان" هریک شهید "ویس داوود" و شهید "خالد داوود" بود، مرحوم "محمد داوودخان" به تمام معنی از لیاقت، پاک نفسی و صداقت وی واقف بود، به همین خاطر شهید "داوودخان" وی را به حیث رئیس پوهنتونها که بعد ها به وزارت تحصیلات عالی ارتقاء یافت، مقرر نمود.

به یاد دارم روزی که وی به وظیفه جدیدش تقرر یافت من و برادرم "عبدالمجید باز" سریاور مرحوم "داوودخان" به خاطر تبریکی به منزل شان که در عقب سینمای "حسرم" به نام "آریوب ننداری" یا "آریوب سینما" در نزدیکی گردنه باغ بالا، حصه دوم کارته پروان موقعیت داشت، رفتیم؛ این شخص که دارای دو دکترای سرخ در فزیک و ساینس بود، در منزل خود کوچ و فرنیچر نداشت، اطاق نشیمن منزل شان با یک نمده کهنه با چند دانه دوشک کهنه و بالیشت کهنه مزین بود. روح آن بزرگوار و پاک نفس شاد باد! این که وی در مسکو درس خوانده بود معنی آن را ندارد، که تمام محصلانی که در روسیه شوروی درس خوانده، کمونیست هستند یا کمونیست شده باشند. به طور مثال یک برادر من هم در روسیه شوروی تحصیل نموده بود، دو پسر شهید "داوودخان" هریک (خالد و ویس) نیز تحصیل یافته های کشور روسیه شوروی بودند و آنها نیز در روسیه تحصیل کرده بودند به صدها و هزارها نفر را برایت نام گرفته می توانم و بنویسم که در روسیه شوروی آنوقت تحصیل نموده ولی کمونیست نبودند، امروز در جیب ها و دستکول های هر کدام ما تاپه های ساختگی خود ساخت موجود است، که به خاطر محکومیت مخالفان به پیشانی شان می کوبیم، آنهم به خاطر این که فلانی در آنجا تحصیل نموده کمونیست است، از برای خدا انصاف هم خوب چیز است.

آقای بزرگوار و عالی مقام آقای "محمد داوود مومند" صاحب! آیا شما از صدق دل تان و از انتهای احترام، علاقه و محبت به سردار "محمد داوودخان"، لقب "سردار صاحب" را خطاب می کنید و یا از روی مناققت. شما به بسیار بی احترامی وی را (بی مسلک بی کلتور و لیونی) خطاب می کنید، تا عقده های نرسیدن به چوکی و مقام بلند در دوران او را حل کنید.

این که بنده در نوشته های سابق شما را به القابی که شایسته شأن و شوکت شما است (مانند جناب عالی، مجاهد کبیر دانشمند محترم، نویسنده توانا شخصیت معزز و امثالهم) نگفتم به خاطری که منافق نیستم تا ظاهر یک چیز و باطنم چیز دیگری باشد.

جلالتماب، جناب تاریخ نویس شهیر، نویسنده توانا آقای "مومند صاحب" و الامقام، توجه نمائید به این چند سطر نوشته تان.

«متأسفانه قاسم باز با تحجر فکری و با پیروی از روش زورگویان دوره کودتای سرطان تصور میکنند که با توهین، تذلیل، تخویف و افترا می تواند مخالفین سیاسی سردار صاحب داود شاه خان منجمله داود مومند کله شیخ را ترسانده و خاموش سازد» - ویراستاری نشده-پ

آقای "مومند" اینگونه نوشته ها، نوشته های کوچه و بازار است. ما و شما در یک مملکتی زندگی می کنیم که "شمشر زن" و "چوب زن" در آن معلوم نیست. تا معلوم شود که واقعاً کله شیخ و کله سست چه کسی است.

آقای محترم "مومند صاحب"!

**یک.** لطفاً به خوانندگان این پورتال بگوئید که شما در پوهنتون کابل، در زمان ریاست جمهوری "محمد داوودخان" در کدام ریاست، کدام مدیریت عمومی و کدام مدیریت خرد، در کدام شعبه یا دفتر کار می کردید.

**دوم.** شما در وقت تصدی "غلام صدیق محبی" از کار منفک و یا رانده شدید، نه در وقت (محمود سوما) و زمان اقتدار حزب دموکراتیک خلق.

توجه نمائید به این نوشته تان، «که من بخاطر برطرفی یکی از زیر دستان خود را که من از غلام صدیق محبی حاصل کرده بودم. بعد از تکمیل تمام مراحل انفکاک در میز خود قفل نمود.....» - ویراستاری نشده-پ. چرا علت انفکاک آن زیر دست را ذکر نمی کنید، نمی دانم که آقای "اشرفی" زنده است یا، نه؛ تا در این مورد روشنی کامل می انداخت تا روی سیاه شود هرکه در او منافقت باشد

**سوم-** من نگفتم که در این نوشته تان که عنوان آن (انگیزه های کودتای بیست و شش سرطان). من عرض کردم که در نوشته نو تان که دو هفته قبل، اقبال نشر در سایت افغان جرمن آنلاین یافته بود و بعد از ۲۴ ساعت ناپدید گردید، چون شما در آن مقاله از اصول نویسندگی انحراف نموده بودید شاید به همین خاطر و یا به هر ملحوظ و خاطر دیگری که بود آن را گردانندگان "افغان جرمن آنلاین" از بخش تحلیل ها برداشتند، مطمئنم که یک عده زیادی از خوانندگان محترم آن را خوانده اند. لطفاً خود را به کوچه حسن چپ نزنید.

جناب معظم والاشان آقای "محمد داوود مومند"!

می دانم که شما فارغ التحصیل پوهنخی حقوق هستید ولی باور کامل دارم که شما یک روز هم در دفاتر حقوقی کار نکردید، تا علمی و عملی بدانید که حقوق و وجایب افراد چیست؟ / که، که را می تواند تحت تعقیب قانونی قرار بدهد. بگذار این گپ های لافوکهای سر چوک و شهر، کوچه و بازار را. زیاد لاف نزن، اگر می خواهی تا بنده را تحت تعقیب قرار دهید، هیچ مشکلی نیست. دا گز دا میدان. لطفاً به اندازه سن و سالت گپ بزن، (اکتهای کاکه های ناحق را نکن) من این گپ ها را از دوستان شما که در پورتال "افغان جرمن آنلاین" می نویسید زیاد شنیدیم.

**ما شیشه ایم و ترس نداریم از شکست گر شیشه بشکند هنوز شود تیز تر**

محترم مشر "محمد داوود مومند" صاحب! شما در یکی از نوشته های تان که با این عنوان (سخنان عبدالرحمن پژواک حدیث قدس نیست) نظرتان را راجع به نوشته های آقای "پژواک" بیان نموده بودید، من امروز آن فرموده شما را به شخص شما عرض می کنم و آن این که، باور نمائید هیچ گفته شما و دوستان معجون غیر مرکب شما نزد ما

"حدیث قدس" نیست، اگر من اسمای آن دوستان شخصیم را که در آن وقت در شعب اداری پوهنتونها و وزارت معارف کار می کرد، به شما شاهد بیاورم باز به شما چه می ماند، ولی می دانم که این کار خلاف اصول است. اگر لازم می دانید من از شما رسماً در پورتال "افغان جرمن انلاین" یک تعهد و وعده می گیرم که اگر من شاهدان را آورده نتوانستم من تا به حال هر چه گفته ام بد گفتم ولی اگر شاهد بیاورم که شما در وقت آقای غلام صدیق محبی منفک گردید. در آنصورت عهد ببندید که دیگر تا زنده هستید باز در هیچ موضوعی هیچ مسأله ای ننویسید. (مردها را قول است).

محترم جناب عالی "محمد داوود مومند صاحب" !

من به همین چند مطلب که در بالا ذکر نمودم اکتفاء می کنم دیگر نمی خواهم وقت گرانبهای خود و خوانندگان ویب سایتهای الکترونیک را به نوشته های شما ضایع سازم، بعد از این هر چه دلت می خواهد بنویس. سایت "افغان جرمن انلاین" به رویت باز است ، من دیگر نمی خواهم همراه شما در یک ترازو تول کنم . در اخیر من از نزد شما خدا حافظی می خواهم هزار سال زنده باشید البته با منطق و بی عقده .  
و سلام.

خوانندگان محترم لطفاً غرض روشن شدن بعضی اتهامات آقای "محمد داوود مومند" این لینک ذیل را کلیک نماید.

[بناغلی محترم ورور محمد داود مومند.docx](#)

۳- بادر زما وکیل دی  
غپ شوی لکه فیل دی  
دستخط ته بی ساتلی  
په کوته کی خدمتگار  
نوکر یم د بادر

۲- بادر زما قاضی دی  
په جنگ جدال راضی دی  
په هر فیصله کی  
اخلی لس زر پر شمار  
نوکر یم د بادر

۱- مدیر د لوازم دی  
خدمت د ده لازم دی  
یا وی په سینما کی  
یا وهی چیری چالدار  
نوکر یم د بادر

پایان

۲۰۱۶/۱۵/۱